

## عنوان: مشروعیت حقوقی تحریم اقتصادی

طاهره نبی زاده کفشگر، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه حکیم سبزواری

حسن نجفی شم آبادی، استادیار دانشگاه حکیم سبزواری (Najafiasl@gmail.com)

## چکیده فارسی

تحریم اقتصادی محدود نمودن مبادله کالا، خدمت یا سرمایه بین یک طرف (تحریم کننده) و تحریم شونده، به منظور تنبیه یا تغییر رفتار یک بازیگر در روابط بین المللی است. تحریم اقتصادی می تواند بین المللی یا چند جانبه و حتی یک جانبه باشد. هدف تحریم بیشتر سیاسی (تغییر نظام سیاسی یا تغییر رفتار او) است تا اقتصادی یا اجتماعی.

تحریم اقتصادی وضع شده توسط نهاد های بین المللی به خصوص نهاد های لازم الإلتباع بین المللی عموماً مشروع تلقی می شود. با وجود این، بایستی این تحریم ها ضروری، انسانی و متناسب باشد. هرگاه تحریم های وضع شده، عملاً موجب محرومیت اتباع کشور از حقوق اساسی بشر همانند؛ حق فعالیت اقتصادی و حق توسعه گردد؛ اعمال چنین تحریمی نامشروع خواهد بود. از منظر حقوق داخلی کشور تحریم کننده بدیهی است که تحریم عملی مشروع تلقی خواهد شد و برعکس از منظر حقوق داخلی کشور تحریم شونده، تحریم نامشروع بوده و الزام آور تلقی نشده و به عنوان دفاع قابل پذیرش نخواهد بود.

از منظر حقوق داخلی کشور ثالث هم، در صورتی که منشأ تحریم یک جانبه باشد به هیچ وجه مشروعیت نخواهد داشت؛ اما اگر تحریم بین المللی یا چند جانبه باشد و کشور ثالث مذکور با آن مخالفت نموده باشد؛ در مشروعیت و الزام آور بودن چنین تحریمی از منظر حقوق داخلی کشور ثالث تردید وجود دارد. حتی اگر علی الاصول چنین تصمیماتی الزام آور بوده باشد. تحریم از هر نوعی که باشد بر حقوق قراردادی قبل از وضع تحریم تأثیری نخواهد داشت و وجود چنین تحریمی دفاع محسوب نمی شود.

**کلید واژه:** تحریم اقتصادی، حقوق بشر، حقوق بین الملل، مشروعیت، قرارداد

**Title: Legal legitimacy of economic sanctions**

Tahereh Nabizadeh Kafshgar, Student of M.A. degree in Private law Hakim  
Sabzevari University

Hasan Najafi Shamabadi , Assistant Professor Hakim Sabzevari University  
(Najafiasl@gmail.com)

## **Abstract**

Sanction can be defined as the limitation on transaction of goods ,services or investment between states in order to punish or alter some conduct of a state in international relations .the sanction can be universal (international), multinational or even bilateral . the aim of any sanction is political more than economic or social .

if the sanction be international it is supposed that is binding on all; but it has to be necessary ,humanity and appropriate one. if a sanction deprives innocent citizens from their basic human rights ,like right to do economic activity or right to development, enforcing such sanctions will be illegal .from municipal law' point of view of state that impose the sanction it will be supposed legal. from sanctioned state municipal law' point of view it will be supposed illegal and non enforceable then will not be good defense.

From third party state municipal law's point of view bilateral sanction can not be binding. more over international or multinational sanctions legality and enforceability will be doubtful if that state has disagreed with it even if that sanction be binding basically .no sanction can impact on contractual rights pre enacting of that sanction and never can be a good defense .

**Key words:** economic sanction , Human rights , international law, Legality ,contract

برای به اطاعت واداشتن دیگران یا حداقل تأثیر گذاری بر رفتار دیگران در روابط بین المللی، ضرورتاً جنگ لازم نیست. از دیر باز تا کنون، روش های متنوعی در مبارزه برای نیل به این هدف وجود داشته است. تحریم اقتصادی یکی از معمول ترین روش های پیش از جنگ، برای تغییر رفتار یک بازیگر بین المللی است. تحریم اقتصادی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. از جمله: از منظر دانش حقوق.اینکه آیا تحریم اقتصادی با قواعد حقوق بین المللی و مبانی حقوق بشر منطبق است یا خیر و اینکه در چه صورتی تحریم اقتصادی از منظر حقوق مشروع خواهد بود؟ پرسش هایی بنیادی است. در این مقاله کوشش شده است از دیدگاه حقوقی (فراملی و ملی ) پدیده تحریم اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

## تعریف تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی را می توان از نظر اقتصادی و از نظر حقوقی تعریف نمود. از منظر اقتصاد، تحریم اقتصادی به معنای مجازات یا دست کاری در روابط و همکاری های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی می باشد. (یاوری ۱۳) اما از منظر حقوقی برخی تحریم اقتصادی را مجموعه اقداماتی که یک یا چند بازیگر بین المللی علیه یک یا چند بازیگر دیگر در جهت تنبیه طرف مقابل از طریق محروم کردن آن از اموری که برای آن ارزشمند است یا اجبار طرف به رعایت برخی ارزش ها که نسبت به طرف مقابل مهم است یا هر دو، دانسته اند. (ظریف، میرزایی، ۱۳۷۶)

اما تعریفی که به نظر کامل تر می رسد تعریفی است که تحریم اقتصادی را اقدامی غیر نظامی که بر انتقال کالا، خدمات و سرمایه به یک کشور خاص، تاثیر نامطلوبی می گذارد و هدف از اعمال آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با هدف های دولت تحریم کننده و یا بیان ناخرسندی تحریم کننده از اقدام ها و رفتار های آن کشور می باشد بیان نموده است. ( بهروزی فر، ۱۳۸۳)

چنانکه ملاحظه می شود در تعریف مذکور، بر غیر نظامی بودن اقدام کشور تحریم کننده جهت خارج نمودن درگیری های مسلحانه از شمول تعریف، تاکید شده است. تعریف مذکور، متضمن هدف کشور تحریم کننده که همانا تغییر رفتار تحریم شونده است نیز می باشد. در واقع به طور خلاصه، تحریم اقتصادی، عبارت است از قطع یا محدود نمودن مبادلات کالا، خدمت و سرمایه بین دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده به منظور تأثیر بر رفتار تحریم شونده است.

## انواع تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی را می توان از چند جهت تقسیم نمود. از جمله تقسیم تحریم اقتصادی بر حسب منشأ وضع تحریم و موضوع آن است.

### ۱- انواع تحریم بر حسب منشأ وضع تحریم

تحریم های اقتصادی از منظر منشأ یا مرجع تصویب تحریم به انواع زیر قابل تقسیم است :

۱- تحریم های عام بین المللی: در این نوع از تحریم ها، مرجع تصویب تحریم یک مرجع کاملاً فراملی و بین المللی است به نحوی که تحریم های وضع شده برای همه اعضاء جامعه بین المللی - و نظراً حتی کشور تحریم شونده - لازم الإلتباع است. مثلاً تحریم های وضع شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد از این نوع اند.

۲- وضع تحریم بر مبنای تعداد کشورهای شرکت کننده که به سه نوع تقسیم می شود: الف - یک جانبه (Unilateral) ب - چندجانبه (Multilateral) ج - جامع یا فراگیر (Comprehensive).

تحریم یک جانبه به تحریمی گفته می شود که فقط یک کشور اقدام به وضع تحریم در مقابل یک کشور دیگر نماید. در تحریم چندجانبه گروهی از کشورها (مانند اتحادیه اروپا) مبادرت به وضع تحریم می نمایند. در این فرض، اگر همه کشورها از کشور تحریم کننده پیروی نمایند تحریم به صورت جامع خواهد بود؛ به گونه ای که همه کشورها درگیر تحریم خواهند شد. (یاوری، محسنی ۱۳۸۹)

### ۲- بر حسب موضوع

ممکن است موضوع تحریم اقتصادی (وضع مالیات بر صادرات کشور تحریم شونده)، سهمیه وارداتی (اعمال محدودیت در زمینه مقدار واردات از کشور تحریم شونده)، ممنوعیت روابط تجاری و ایجاد موانع غیر تعرفه ای بر روی واردات باشد.

همچنین تحریم اقتصادی می‌تواند بر روی صادرات انجام شود که اصطلاحاً به آن اعمال تحریم از طریق توقیف گفته می‌شود. در این نوع، تحریم مانع صادر شدن کالا به داخل کشور هدف می‌شود و یکی از ابزارهای رایج برای تنبیه کشور تحریم شونده می‌باشد. نوع دیگر تحریم که مانع ورود یک یا چند کالا از کشور تحریم‌شونده می‌شود که اصطلاحاً به آن بایکوت می‌گویند. اثر این نوع تحریم کاهش تقاضا نسبت به کالاهای مهم صادراتی کشور تحریم شونده می‌شود که در نهایت درآمد ارزی را کاهش داده و قدرت مالی کشور را برای تأمین کالاهای اساسی کاهش می‌دهد. (یاوری، محسنی ۱۳۸۹)

## اهداف تحریم اقتصادی

همزمان با اعمال تحریم‌ها، اهدافی نیز برای آن تعریف می‌شوند. باید دانست که عمده اهداف تحریم اقتصادی، سیاسی بوده و اهداف اقتصادی و غیره جنبه فرعی دارد. در واقع انگیزه‌های سیاسی، مهمترین محرک کشورها در اعمال تحریم می‌باشد. حتی در تحریم‌هایی که از سوی سازمان ملل متحد وضع شده نیز اهداف سیاسی به درستی قابل مشاهده است. (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶)

به طور معمول دو هدف سیاسی برای تحریم اقتصادی وجود دارد: یک هدف، تغییر رژیم سیاسی حاکم از طریق تنبیه و مجازات کردن کشور هدف است که در راستای تحقق آن، آسیب سنگینی به منافع کشور هدف وارد می‌شود. چنانچه مقصود از تنبیه ابزاری برای رسیدن به هدف تحریم اعمال شده، باشد به عقلانیت تحریم تعریف می‌شود. عقلانیت تحریم بر دو شق است: یک مورد آن به کنترل‌کننده مرسوم است که به منظور بی‌ثبات سازی اعمال می‌شود. (زهرانی، ۱۳۸۷) هدف از بی‌ثبات سازی، تغییر رژیم سیاسی حاکم به دلیل تضادی که در منافع استراتژیک میان کشور تحریم‌کننده و کشور تحریم شونده وجود دارد؛ می‌باشد. غایت این تحریم، تغییر رژیم کشور هدف است. (یاوری، محسنی، ۱۳۸۹)

دیگری اجبارکننده نام دارد که به طور آشکارا اعمال می‌شود و هدف از اعمال آن، تغییر رفتار به دلایل مربوط به روابط خارجی کشور مورد تحریم در منش و رفتار خود است. (زهرانی، ۱۳۸۷) از همین جا دومین هدف سیاسی تحریم اقتصادی مشخص می‌شود که آن صرفاً تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور تحریم شونده است که نسبت به هدف اول حالت خفیف‌تری دارد. مطابق نظریه‌ای که میان جامعه‌شناسان و فلاسفه وجود دارد؛ در عنصر تنبیه، بایستی سلسله مراتبی بین دولتها وجود داشته باشد تا یک دولت بتواند در عرصه‌ی بین‌المللی علیه دولت دیگر، تحریم وضع نماید. (همان)

گاهی اوقات هدف اعمال تحریم، جلوگیری کشور هدف، از کسب موقعیت هژمونی در منطقه است. به عنوان مثال؛ گفته می‌شود آمریکا از طریق اعمال تحریم بر ایران، تلاش می‌کند تا از تسلط ایران بر خاورمیانه جلوگیری کند و نگذارد ایران قدرت برتر منطقه محسوب شود. (سیمبر، ۱۳۸۹)

البته به عقیده برخی، هدف از اعمال تحریم، هیچ یک از موارد فوق نبوده؛ بلکه به منظور مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف و جلب توجه دیگر کشورها به سیاست خارجی کشور تحریم‌کننده می‌باشد. آنها در این خصوص بعضی از تحریم‌های وضع شده علیه ایران، توسط آمریکا را نام می‌برند. (بهروزی فر، ۱۳۸۳)

همچنین برخی نیز معتقدند اصلی‌ترین هدف تحریم از سوی کشورها به انتظارات آتی دولتهای تحریم‌کننده و دیدگاههای بین‌المللی که به ساختار کلی بین‌الملل یا بخشی از آن ساختار بین‌المللی مرتبط است؛ باز می‌گردد. (یاوری، ۱۳۸۹)

با این حال عموماً هدف سیاسی از اعمال تحریم‌ها، تغییر رفتار سیاسی کشور هدف و یا در شدیدترین حالت تغییر رژیم سیاسی حاکم است.

## تحریم اقتصادی از منظر حقوق

پرسشی که مطرح می شود آن است که تحریم اقتصادی از منظر حقوقی چه وضعیتی دارد. آیا از نظر حقوقی، تحریم اقتصادی امری مقبول و مجاز است یا رفتاری ناپهنگار و بر خلاف قواعد حقوقی است؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است که تحریم اقتصادی را از منظر حقوق بین الملل، حقوق بشر و حقوق داخلی مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱- از منظر حقوق بین الملل

در فصل هفتم منشور ملل متحد، اعمال تحریم ها به عنوان یکی از آخرین ابزار، جهت عدم بکارگیری از اقدامات قهر آمیز - که در ماده ۴۲ آن پیش بینی شده - در نظر گرفته شده است. (منشور ملل متحد) بنابراین تحریم اقتصادی، به مثابه وسیله ای اجرای مقررات بین المللی و حفظ امنیت و بین المللی از منظر حقوق بین الملل مشروع و قانونی است. علی رغم این مطلب، بنا بر نظر برخی، این مشروعیت غیر از مواردی است که هدف از اعمال تحریم، ایجاد سلطه و فشار بر دولتها و یا مغایر با مناسبات و تعهدات قراردادی کشورهاست. (فرخ سیری، ۱۳۸۷) لذا در هر موردی که تحریم اقتصادی منجر به نقض تعهدات عهدنامه ای خاص یا یک اصل حقوق بین المللی دوستانه گردد؛ غیر قانونی است.

به این نظر انتقاد وارد است؛ زیرا تدابیر تحریمی پیش بینی شده در منشور ملل متحد، بر تعهدات قراردادی یا معاهداتی کشور ها نیز حاکم است. به نظر می رسد در این صورت حتی اگر اجرای تحریم مبتنی بر منشور ملل متحد، بر خلاف قرارداد بین المللی کشور یا عهد نامه بوده باشد؛ به معنای نقض تعهد نبوده و پیمان شکنی محسوب نخواهد شد. با این وجود، از آنجا که تمامی دولتها در چارچوب نظام قواعد حقوقی بین المللی فعالیت می نمایند؛ در وضع تحریمها باید ملتزم به اصول حقوق بین الملل عام باشند.<sup>۱</sup> این اصول از جمله شامل: اصل انسانی بودن، اصل ضرورت و اصل تناسب تحریم ها می باشد. (همان)

مطابق اصل انسانی بودن، در صورتی که مشاهده شود وضع و ادامه تحریم، باعث تحدید و تضییق مردمان کشور مورد تحریم، از حیث برخورداری از مصادیق برشمرده شده در ماده ۲ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ گردد؛ دیگر نمی توان عنوان مشروعیت بر آن تحریم نهاد. این موارد عبارت است از: آسایش فردی، بهداشت، محل مناسب زندگی، مواد خوراکی مناسب و مغذی، دسترسی به آب آشامیدنی کافی، پوشاک، مراقبت پزشکی، حق انجام مناسک مذهبی و فرصت انجام دادن فعالیت فکری، آموزشی، تفریحی، ورزش و بازی. (همان)

بر مبنای اصل ضرورت، اقدامات کشورها در اعمال تحریم باید برای اهدافی که به منظور آن اقدام به وضع تحریم می نمایند ضروری باشد. بنابراین بین این اصل و مؤثر بودن تحریم اعمال شده رابطه ی مستقیمی وجود خواهد داشت. در این زمینه برخی معتقدند در هر موردی اگر وضع تحریم در رفتار تحریم شونده به اندازه ای تأثیر گذار بوده که منجر به تغییر گردد می توان گفت اعمال تحریم ضرورت داشته است. (همان)

اصل تناسب به حالتی اشاره می کند که باید بین رفتار متخلفانه یک کشور و وضع تحریم تناسب وجود داشته باشد. بنابراین چنانچه زیان وارده به حقوق بشر، ناشی از رفتار متخلفانه، کمتر از وضع تحریم باشد؛ یعنی اعمال تحریم بیش از رفتار متخلفانه یک کشور قواعد حقوق بین الملل و حقوق بشری را نقض نماید؛ گفته می شود که بین رفتار متخلفانه و تحریم وضع شده تناسب وجود ندارد. (همان)

بر اساس مقررات حقوق بشری مندرج در منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و معاهدات بین المللی مانند؛ قراردادهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاق شده به آن - که بر

<sup>۱</sup> - اصول حقوق بین الملل عام به عنوان اصول کلی حقوقی مطابق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری جزء منابع تکمیلی و فرعی محسوب می شود که دیوان در خصوص موضوعی که منابع اصلی یعنی قانون و معاهدات نباشد و یا عرف شناخته شده ای وجود نداشته باشد با استناد به آنها اقدام به صدور رأی می نماید.



مبنای احترام به حیثیت و شخصیت انسانی تدوین شده اند - و سایر اسنادی که اصول حقوق بین المللی انسان دوستانه را پذیرفته اند؛ در صورتی که تحریم های اقتصادی موجب رنج و مشقت مردم کشور مورد تحریم گردند، تحریم وضع شده از منظر حقوق بین الملل مشروع نیست. (مافی، ۱۳۸۵) حتی اگر مرجع تحریم، کشور یا دولت خاص باشد یا اجماع سازمان ملل متحد. (ممتاز، ۱۳۸۷)

همچنین به موجب آنچه که در نشست دوره ای کمیته ی ناظر بر اجرای میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، آمده است؛ «افراد مقیم یک کشور را نباید به این دلیل که رهبران شان قواعد مربوط به صلح و امنیت بین المللی را نقض نموده اند از حقوق اساسی، اجتماعی و فرهنگی خود محروم شوند». (کریم زاده، ۱۳۸۶)

گاهی نیز اعمال تحریم موجب نقض غرض می شود؛ مثلاً کشوری اقداماتی برخلاف حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه می نماید و هدف از اعمال تحریم نیز رفع همین اقدامات نقض حقوق بشری است. حال آنکه اعمال تحریم خود باعث محرومیت مردمان کشور هدف از حقوق بشر می شود که با اهداف قواعد حقوق بین الملل دوستانه آشکارا در تعارض است. برای مثال، آثار فاجعه بار انسانی ناشی از تحریم های اقتصادی عراق در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، و تحریم های یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۲ و هائیتی در سال ۱۹۹۴، از نگاه سازمان ملل دور نمانده است. لذا به تعبیر برخی، تحریم اقتصادی به عنوان «سلاح دو دم» و «اسلحه گرسنگی» مصطلح گردید. (بروکشلی، ۱۳۷۵ و ممتاز، ۱۳۸۷) این امر به معنای نقض غرض فلسفه ی وجودی شورای امنیت - که همانا برقراری صلح و امنیت و حفظ حقوق بشری است - تلقی خواهد شد.

به همین دلیل برخی در انتقاد از تحریم های شورای امنیت اعلام داشته اند؛ بی توجهی شورای امنیت به آثار مخرب ناشی از اعمال تحریم ها بر وضع معیشت مردم و نقض واضح حقوق بشر، شورای امنیت را مثابه ی ابزاری در جهت تحقق اهداف سیاسی کشورهای دارای قدرت نظامی تبدیل نموده است. نتیجه این امر، بروز رفتار های دوگانه و متضاد از این نهاد بین المللی است به گونه ای که نسبت به مشروعیت و تحریم های اعمال شده تردید به وجود آمده است. (زهرانی، ۱۳۸۷)

## ۲- از منظر حقوق بشر دوستانه

مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر به موضوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده شده است که در اعلامیه های قبل از اعلامیه جهانی سابقه نداشته است. در ماده ۲۲ آن مقرر شده: «هرکسی حق دارد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که برای کرامت شخصیت او ضروری است؛ برخوردار گردد». همچنین مواد ۲۳ تا ۲۷ به پاره ایی از حقوق انسانی دیگر مانند؛ حق داشتن شغل، حق انتخاب آزاد شغل، آزادی اتحادیه، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، دفاع از سلامت، حقوق مادران و کودکان، حق تفریحات، حق تعلیم و تربیت و حق حمایت از نوآوری های ادبی و هنری می پردازد.

همچنین بر اساس موازین حقوق بشری، هر کس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. (ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر، ۱۹۴۸)

همچنین براساس برخی متون دیگر، هیچ ملتی را نمی توان از مسائل معاش خود محروم نمود. (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶)

ایضاً مطابق قطعنامه ۲۱۰ سال ۱۹۹۱، مجمع عمومی سازمان ملل این سازمان از کشورهای صنعتی و توسعه یافته خواسته از قدرت خود، برای فشار اقتصادی به منظور اهداف سیاسی کشورها استفاده نکنند. همچنین در قطعنامه ۱۵۲ کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) با عنوان «عدم قبول اقدامات قهر آمیز» از کشورها خواسته شده تا از اقدامات قهر آمیز اقتصادی علیه یکدیگر بپرهیزند و به منظور اهداف سیاسی از اعمال محدودیت های تجاری، مجازات و محاصره اقتصادی یکدیگر اجتناب نمایند. (فرخ سیری، ۱۳۸۷)

از نظر مخالفت تحریم ها با عهدنامه های بین المللی نیز باید گفت بر اساس ماده ۵۴ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون های ژنو، گرسنگی دادن غیر نظامیان به عنوان یک حربه ی جنگی ممنوع می باشد. باید این نکته را یادآور شد که مفاد انسان دوستانه مذکور در پروتکل منحصرأ ناظر به زمان جنگ نبوده و کشورها با عضویت در کنوانسیون ژنو می پذیرند که در هر زمانی مقررات آن را اجرا نمایند. (طباطبایی، ۱۳۷۹)

در مجموع به نظر می رسد اعمال تحریم های اقتصادی قواعدی از حقوق بین الملل بشر را نقض می کند. بعضی از آنها عبارتند:

- حق فعالیت اقتصادی: در مواد هفت، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده و هجده میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی از قبیل؛ حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مناسب از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش، حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری بیان شده است. (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، ۱۹۶۶)

- حق توسعه: در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳، حق توسعه را حقی جهانی و جدائی ناپذیر و جزء جدا نشدنی حقوق اساسی بشر توصیف نموده است. همین اعلامیه حق توسعه این اصل را حق انسانی جدائی ناپذیر می داند که به موجب آن، تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن کلیه حقوق انسانی و آزادی های اساسی بطور کامل تحقق می یابد؛ مشارکت و همکاری کرده و از آن بهره مند شوند.

- حق تعیین سرنوشت: توسعه روابط دوستانه در روابط بین الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی از جمله مقاصد سازمان ملل متحد است که در بند دو ماده یک منشور بیان شده است. (منشور سازمان ملل متحد، ۱۳۸۵) حق خودمختاری یا تعیین سرنوشت - فارغ از تفاوت های جزئی آن - در نظام حقوق بین الملل بشر به عنوان اصلی اولیه شناخته شده است که بدون احترام به آن صلح پایدار جهانی امکان پذیر نخواهد بود. برای نمونه تحریم های یکجانبه امریکا علیه ایران به طور غیرمستقیم لطمه ای است به حق تعیین سرنوشت و خودمختاری ملت ها که مورد تأکید قطعنامه های مختلف و اعلامیه های گوناگون نیز قرار گرفته است. (طباطبایی، ۱۳۷۹)

- اصل مسئولیت فردی در مجازات: بر مبنای اصل مسئولیت فردی در حقوق؛ اقدامات قهری در قالب تحریمهای اقتصادی جامع علیه یک کشور، بیشتر شبیه به تنبیه دسته جمعی می باشد که با اصل اخلاقی مسئولیت فردی نامتناسب است. یعنی تنبیه آنهایی که مسئول تصمیمات سیاسی مشخصی نیستند و وارد ساختن خسارتهای عمدی به مردم بی گناه فی نفسه یک عمل غیراخلاقی است که با هیچ ساختار منفعت گرایی توجیه نمی شود.

### ۳- از منظر حقوق داخلی

وضعیت حقوقی تحریم اقتصادی از منظر حقوقی چگونه است؟ ممکن است پاسخ این پرسش در وهله اول امر بدیهی به نظر آید؛ اما با عنایت به اینکه تأثیر تحریم اقتصادی بر روابط خصوصی بین اتباع کشور تحریم کننده و کشور تحریم شونده مؤثر است؛ مثلاً قراردادهای بین آنان را ممکن است متأثر نماید؛ طرح پرسش مذکور، شایسته و لازم است. درواقع باید بررسی نمود که در صورت وضع و اجرای تحریم اقتصادی (تحریم بین المللی، چند جانبه یا یکجانبه) وضعیت حقوقی قواعد راجع به تحریم و مسئولیت های ناشی از آن از منظر حقوق داخلی کشور تحریم کننده و کشور تحریم شونده از چه قرار است.

**الف - حقوق داخلی کشور تحریم کننده:** وقتی کشوری قانون تحریم را وضع می نماید کاملاً منطقی است که نسبت به به لازم الاجراء بودن آن در محدوده موضوع تحریم نسبت به اتباع خود یا حتی بعضاً اتباع دیگر دولت ها، قاعده الزام آور وضع نماید. بنابراین واضح است که از منظر حقوق داخلی کشور تحریم کننده، قواعد و قوانین راجع به تحریم، مشروع و قانونی تلقی

شود؛ مثلاً در نیمه دهه ۱۹۹۰، ایران بیش از ۵۰ پروژه نفتی و گاز به ارزش ۲۵ میلیارد دلار را به مزایده گذاشته بود. در آن زمان به دلیل وضع تحریم توسط کشور آمریکا علیه ایران، شرکت های آمریکایی از سرمایه گذاری در پروژه ها امتناع نموده اند. (قاسمی، ۱۳۸۷) این امر ناشی از الزام آور بودن قانون تحریم در حقوق داخلی کشور تحریم کننده است.

با وجود این، در وصف الزام آور بودن قاعده راجع به تحریم نایبستی مبالغه نمود؛ زیرا می دانیم که بسیاری از کشور ها در حقوق داخلی خود نفی اقدامات ناقض حقوق بشر یا بر خلاف حقوق بین الملل بشر دوستانه را به عنوان ارزش ها و قواعد حاکم بر حقوق داخلی خود پذیرفته اند و اگر وضع و اجرای تحریم اقتصادی منافات با این حقوق و معارض با قواعد یاد شده باشد - خصوصاً اگر تحریم ناشی از تصمیمات قوه مجریه آن کشور بوده باشد - امکان شکایت و بی اثر سازی تحریم یا حتی مطالبه خسارت به استناد حقوق داخلی کشور تحریم کننده دور از ذهن نیست.

## **ب - حقوق داخلی کشور تحریم شونده:**

در ابتدا به نظر می رسد تحریم اقتصادی از منظر حقوق داخلی کشور تحریم شونده امری بر خلاف قانون تلقی می شود و طبعاً الزام آور نبوده و نقض تحریم موجب هیچ گونه مسئولیتی نخواهد بود. علی رغم درستی این گزاره به طور کلی، بایستی درستی آن را در مورد هر یک از انواع تحریم ها بر حسب منشاء وضع تحریم مورد بررسی قرار داد.

**۱- اعمال تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد:** اهداف قهری غیر نظامی که در فصل هفتم منشور ملل متحد آمده است مبنای مجاز بودن اعمال فشار بر دولت به منظور منزوی ساختن آن از مناسبات سیاسی و اقتصادی و محروم نمودن آن از برخی امتیازات در راستای تمکین از خواسته های شورای امنیت می باشد. (ممتاز، ۱۳۸۷)

علی رغم اینکه کشورها با عضویت خود در سازمان ملل، بر مقررات منشور صحه می گذارند و می پذیرند که در همه حال به تصمیمات شورا ملتزم باشند؛ از منظر حقوق داخلی کشور هدف، مقررات تحریم شورای امنیت لازم الإبتاع نیست. به عنوان نمونه در پی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت، به ایران هشدار داده شد که فعالیت های غنی سازی خود را تا ۳۱ آگوست ۲۰۰۶ متوقف نماید؛ در غیر این صورت به تحریم های اقتصادی محکوم می گردد. (قاسمی، ۱۳۸۷) اما دولت ایران بدون توجه به قطعنامه مذکور به فعالیت غنی سازی خود ادامه داد تا اینکه در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۳۷ تصویب گردید که به موجب آن، اقدامات هسته ای ایران را مغایر با ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد معرفی نمود. در مرحله بعد، در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، قطعنامه ۱۷۴۷ به تصویب رسید. (زهرانی، ۱۳۸۷) موضع ایران در برابر این تحریم ها، همواره غیر قانونی بودن اقدامات شورای امنیت و ذیحق بودن خود در غنی سازی اورانیوم و صلح آمیز بودن آن بوده است. (عزیزنژاد، نورانی، ۱۳۸۹) بنابراین همانطور که ملاحظه می شود مطابق حقوق داخلی کشور هدف، تمکین در برابر قانون تحریم شورای امنیت نه تنها اجباری نیست؛ بلکه اصولاً چنین قاعده ای بر خلاف حق و عدالت تعبیر می شود.

**۲- تحریم های چند جانبه کشورها:** این تحریم ها که به صورت اتحادیه ای از سوی جمعی از کشورها وضع می شوند، این پرسش را در ذهن تداعی می نمایند که آیا در حقوق داخلی کشور تحریم شونده الزام آورند؟ پاسخ را با مثالی در این خصوص آغاز می نمایم.

وزرای امور خارجه بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، در راستای تشدید تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفتند تحریمهای اقتصادی بیشتری در بخش انرژی از جمله؛ تحریم واردات نفت خام از ایران در کشورهای عضو اتحادیه، در بخش مالی علیه بانک مرکزی ایران و هم چنین علیه اشخاص حقیقی و حقوقی وضع نمایند. (امین زاده و خداپرست، ۱۳۹۱) هدف این تحریم ها اعمال فشار به تهران برای بازگشت به مذاکرات درباره برنامه غنی سازی اورانیوم ایران است.

جمهوری اسلامی ایران تا کنون بارها بر صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته ای خود تأکید کرده و واکنش این کشور در قبال اقدامات اتحادیه اروپایی این است که این تحریم ها، نمی تواند مانع از تحقق اراده ملت ایران در دستیابی به دانش هسته ای و کاربرد آن در زمینه های صلح آمیز شود. ناگفته پیداست که تحریم های چندجانبه ای که از سوی گروهی از کشورها اعمال می شود در حقوق داخلی کشور تحریم شونده لازم الإتباع نمی باشد.

**۳- تحریم یکجانبه یک کشور علیه کشور دیگر:** وقتی تحریم های وضع شده توسط مراجع فراملی و بین المللی و نیز چند جانبه، از منظر حقوق داخلی کشور تحریم شونده الزام آور نباشد؛ به طریق اولی تحریم های یک جانبه یک کشور علیه کشور تحریم شونده الزام آور نخواهد بود. علاوه بر آن، حقوق داخلی کشور تحریم شونده، الزامات قانون تحریم را به موجب اصل حاکمیت دولتها بر قلمرو سرزمینی نمی پذیرد. نمونه بارز این وضعیت را می توان از تحریم داماتو - که به قانون داماتو معروف شد - مشاهده نمود. این قانون در ۵ آگوست ۱۹۹۶، در راستای اجرای سیاست دو جانبه به عنوان یک تحریم ثانویه «SECONDARY BOYCOTT» از سوی آمریکا علیه ایران و لیبی تصویب شد و در ۵ آگوست ۲۰۰۵ نیز تمدید شد. عیدی نژاد، ۱۳۷۵ و قاسمی، ۱۳۸۷ هدف این قانون که به قانون تکمیلی<sup>۱</sup> نیز معروف است تضعیف بخش انرژی ایران، جلوگیری از سرمایه گذاری خارجی در این بخش و تضعیف استراتژیکی ایران بود. (شهابی، ۱۳۷۶ و توحیدی، ۱۳۸۱) اما دولت ایران (کشور هدف یا تحریم شونده) بدون توجه به قانون تحریم، اقدام به انعقاد قرارداد با شرکت فرانسوی توتال و همچنین کنسرسیوم فرانسوی، روسی و مالزیایی به منظور سرمایه گذاری در حوزه پارس جنوبی نمود. (شهابی، ۱۳۷۶، نوازی، ۱۳۸۴ و توحیدی، ۱۳۸۱) زیرا بر اساس حقوق داخلی کشور ایران، تمکین به مقررات قانون داماتو الزام آور نبود و چنین تحریم هایی از نظر حقوق داخلی ایران، به عنوان کشور تحریم شونده، ارزش حقوقی نداشت.

### پ - حقوق داخلی کشور های ثالث

غیر از کشور تحریم کننده و کشور تحریم شونده، باید دید که تحریم های اقتصادی از منظر حقوق داخلی کشورهای ثالث (یعنی کشوری که نه تحریم کننده است و نه تحریم شونده) چه وضعیتی خواهد داشت. پاسخ به این پرسش در سه فرض آورده می شود.

فرض اول: در صورتی که تحریم به طور یکجانبه از سوی کشوری علیه کشور دیگر باشد؛ در این صورت به نظر نمی رسد برای کشور ثالث الزام آور باشد. در این خصوص دوباره مثال قانون داماتو را مطرح می کنیم. این قانون دولتهای دیگر را ملزم می نماید تا از سرمایه گذاری در صنعت گاز و نفت ایران بپرهیزند در غیر این صورت، با تحریم های آمریکا مواجه خواهند شد. در حقیقت این قانون اشخاص خارج از قلمرو قضایی آمریکا را ملزم به مطابقت رفتار خود با قانون مزبور می نماید. (بهروزی فر، ۱۳۸۳) این درحالی است که این اشخاص خارج از قلمرو سرزمینی دولت آمریکا فعالیت می کنند و تابع قوانین ملی خودشان می باشند. (مافی، ۱۳۸۵)

قانون داماتو هم اصل پذیرفته شده حقوق بین المللی حاکمیت دولتها بر قلمرو سرزمینی شان نقض می کند و هم با قاعده بین المللی هیچ دولتی نمی تواند قانون خود را نسبت به خارجیانی که خارج از قلمرو اختیارات قانونی آن اعمال نماید، مغایر است. (همان)

بر همین اساس شرکت توتال فرانسه و همچنین کنسرسیوم فرانسوی، روسی و مالزیایی بدون توجه به قانون مزبور اقدام به سرمایه گذاری در حوزه پارس جنوبی نمودند. این امر حاکی از آن است که وضع تحریم یکجانبه یک کشور علیه کشور دیگر در حقوق داخلی کشور ثالث الزام آور نخواهد بود.

<sup>۱</sup> - Sanction act

فرض دوم : در صورتی که تحریم وضع شده ناشی از تصمیمات مجامع بین المللی باشد - که طبق حقوق بین الملل تصمیمات آنها جنبه لازم الاجراء است - در این صورت ظاهراً از منظر حقوق داخلی کشور ثالث هم بایستی آن را لازم الاجراء محسوب داشت. زیرا فرض بر الزام آور بودن تصمیم مذکور است. با این وجود، در صورتی که کشور ثالث مورد نظر، بر اساس رفتار بین المللی خود، تصمیم بر تحریم اقتصادی را غیر موجه بداند و بر حسب رفتار خود نشان دهد که خود را ملتزم به آن تصمیم نمی داند؛ نمی توان گفت از منظر حقوق داخلی آن کشور تحریم اقتصادی مذکور الزام آور است.

فرض سوم: اگر مرجع تصویب تحریم، اقدامات چند جانبه باشد؛ در اینصورت اگر کشور ثالث مورد نظر جزء مجموعه مذکور نباشد بی تردید تحریم اقتصادی مذکور از منظر حقوق داخلی کشور ثالث یاد شده الزام آور نخواهد بود. اما اگر کشور ثالث مورد نظر، عضوی از مجموعه تحریم کننده باشد ولی به تصمیم مذکور رأی منفی داده باشد این پرسش مطرح می شود که آیا از منظر حقوق داخلی کشور (به اعتباری) ثالث یاد شده تحریم مذکور لازم الاجراء است یا خیر.

از سویی می توان گفت که چون کشور ثالث مذکور به هر حال عضوی از مجموعه تحریم کننده بوده است بنابراین تصمیم مذکور از منظر حقوق داخلی این کشور هم لازم الاجراء است. اما از سویی هم می توان گفت که رأی منفی کشور عضو به تحریم اقتصادی نشان دهنده مخالفت آن کشور با تحریم بوده و بنابراین از منظر حقوق داخلی، آن تحریم لازم الاجراء نخواهد بود.

البته می توان به نظریه ی سوم هم معتقد بود و آن اینکه اگر بر حسب اساسنامه سازمان یا مجموعه تحریم کننده، تصمیمات مذکور در هر حال برای اعضاء الزام آور باشد - حتی اگر رأی آنها منفی بوده باشد - در این صورت لازم الإلتزام بودن چنین تصمیمی به تحریم، از منظر حقوق داخلی کشور ثالث تقویت می شود. البته در این صورت هم چنین برداشتی منوط به عدم فهم مخالفت صریح سیاسی کشور مذکور با تصمیم متّخذ خواهد بود.

البته اگر کشوری به تحریمی رأی مثبت داده باشد یا رفتار سیاسی موافق با تحریم نشان داده باشد؛ طبیعی است که از محل بحث خارج بوده و ثالث تلقی نمی شود.

### وضعیت قرارداد های سابق بر تحریم :

حسب معمول، قبل از وضع تحریم، بین اشخاص حقوقی خصوصی کشور تحریک کننده و کشور تحریم شونده و نیز کشور های ثالث روابط حقوقی برقرار است. ممکن است قبل از تحریم، قرارداد های بین آنان منعقد شده باشد که آثار آن تا زمان تحریم و بعد از آن ادامه داشته باشد. حتی ممکن است چنین قرارداد های بین اشخاص حقوقی عمومی کشور های یاد شده و حتی دولت های یاد شده قبلاً منعقد شده باشد. پرسشی که به ذهن متبادر می شود آن است که اثر وضع تحریم بر روابط قراردادی بین اشخاص مذکور از چه قرار است؟

می دانیم که بر اساس اصل پذیرفته شده، اثر قانون نسبت به آینده است. البته چنانچه نصّ قانون تحریم، به تسری مقررات نسبت به قراردادهای ماقبل از تصویب قانون تصریح شده باشد؛ در این صورت این قانون نسبت به گذشته مؤثر خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷) اما در زمینه قرارداد های مواجه با تحریم وضع از چه قرار است؟

در پاسخ باید گفت به نظر می رسد اولاً پاسخ به این پرسش تا حد زیادی تابع نتایج مربوط به مساله الزام آور بودن بودن قوانین تحریم است. در نتیجه بسته به اینکه دعوا در کدام مرجع قضائی یا داوری طرح شده باشد؛ ممکن است متفاوت باشد. ولی به طور کلی به نظر نمی رسد که بتوان قواعد مربوط به تحریم را عطف به ماسبق نمود؛ زیرا مبنایی توجیه عطف به ماسبق شدن برخی قوانین (از جمله مقررات شکلی و...) در خصوص تحریم مصادق ندارد. علاوه بر این شرط عطف به ماسبق شدن قوانین، عدم تعارض و تزامم آن با حقوق مکتسبه اشخاص است؛ در حالی که در مورد قرارداد ها در واقع در تمام فروض متعهد له قرارداد، حق مکتسبی ناشی از قرار داد را داراست که هیچ قانونی نمی تواند این حقوق مکتسب را نقض نماید. مانند لغو قرارداد

شرکت نفتی کونوکو آمریکایی با ایران توسط آمریکا<sup>۱</sup>. (شهابی، ۱۳۷۶ و توحیدی ۱۳۸۱) در واقع با اینکه قرارداد نفتی شرکت کونوکو یک سال پیشتر از قانون داماتو منعقد گردید اما قانونگذار آمریکایی اثر تحریم وضع شده را به قرارداد گذشته نیز عطف داده است.

برخلاف آنچه ممکن است ابتدائاً به ذهن متبادر شود از منظر حقوقی، تحریم عامل قوه قاهره و یا عامل خارجی در عدم ایفاء تعهدات قراردادی محسوب نمی شود و در صورت عدم اجرای قرارداد، حتی به استناد تحریم، مسئولیت جبران خسارت بر متعهد قراردادی تحمیل خواهد شد.

البته اگر در خود قرارداد شرطی مبنی بر امکان استناد به قوه قاهره در صورت وضع تحریم وجود داشته باشد؛ وضعیت متفاوت است. در حقیقت، به استناد شرط ضمن العقد، متعهد قراردادی می تواند عدم انجام تعهد را توجیه نماید.

قاعده پیش گفته، در صورتی است که به دعوی در مرجع بین المللی یا مرجع داخلی کشور تحریم شونده رسیدگی شود. در غیر این صورت، چنانچه به این دعوی در مراجع داخلی کشور تحریم کننده رسیدگی شود؛ بدیهی است که چون تحریم لازم الإلتباع تلقی خواهد شد؛ عدم انجام تعهد، قوه قاهره تلقی و موجب عدم مسئولیت متعهد قراردادی خواهد بود.

---

<sup>۱</sup> - این شرکت آمریکایی در ۵ مارس ۱۹۹۵ یک قرارداد نفتی با ایران منعقد نمود که به دلیل وضع قانون تحریم اقتصادی علیه ایران (داماتو) در ۵ آگوست ۱۹۹۶، قرارداد مذکور توسط دولت آمریکا لغو گردید.

## نتیجه گیری

مشروعیت اعمال تحریم اقتصادی مستند به ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد، مطلق نیست بلکه باید در اعمال تحریم و حتی ادامه آن، اصول انسانی بودن، تناسب و ضرورت تحریم وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت مورد حمایت حقوق و قوانین بین الملل قرار نمی گیرد. در حقوق داخلی کشور تحریم شونده قانون تحریم وضع شده چه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و چه از سوی کشورها خواه یک جانبه یا چند جانبه و فراگیر باشد؛ الزام آور نمی باشد. تحریم نمی تواند مانند قوه فاعله (فورس ماژور) خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را از متعهد رفع نماید. بنابراین در صورتی که پیش از وضع تحریم، قراردادی میان اتباع کشور تحریم کننده و کشور هدف، منعقد شده باشد و قرار داد مذکور توسط دولت تحریم کننده لغو گردد؛ به دلیل تراحم با حقوق مکتسبه متعهدله، باید وی را در دعوی خسارت، ذیحق دانست.

## منابع و مأخذ

- ۱- امین زاده، الهام، خداپرست، ناصر (۱۳۹۱)، نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل، مجله ی دیدگاه های حقوق قضایی
- ۲- بروکسلی، فریدون (۱۳۷۵)، تحریم های بین المللی آمریکا و کشورهای جهان سوم، فصلنامه راهبرد
- ۳- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۳)، اثر تحریم های یک جانبه امریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی
- ۴- توحیدی، ارسطو (۱۳۸۱)، تحلیلی بر تحریم های اقتصادی علیه ایران، مطالعات دفاعی استراتژیک
- ۵- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالشهای نفت، بررسی مسائل اقتصاد انرژی
- ۶- سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، مجله ی دانش سیاسی
- ۷- شهابی، سهراب (۱۳۷۶)، اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم، مجله ی سیاست خارجی
- ۸- طباطبایی، سید احمد (۱۳۷۹)، تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشردوستانه، مجله مجتمعی آموزش عالی قم
- ۹- ظریف، محمد جواد، میرزایی، سعید (۱۳۷۶)، مجله ی سیاست خارجی
- ۱۰- عزیزنژاد، صمد، نورانی، محمد رضا (۱۳۸۹)، بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی، مجلس و راهبرد
- ۱۱- عیدی نژاد، عبدالمحمد (۱۳۷۵)، سمینار بین المللی تحریم اقتصادی و نظارت بر صادرات، اقتصاد انرژی
- ۱۲- فرخ سیری، منصور (۱۳۸۷)، محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، مجله ی حقوقی بین المللی
- ۱۳- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷)، تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن، مجله ی مربیان
- ۱۴- کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۷)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ویرایش سوم، تهران، مجد
- ۱۵- کریم زاده، عباس (۱۳۸۶)، آثار تحریم اقتصادی و راهکار مقابله با آن، اقتصاد ایران
- ۱۶- مافی، همایون (۱۳۸۵)، تأملی بر تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل، پژوهشنامه ی علوم سیاسی
- ۱۷- ممتاز، جمشید (۱۳۸۷)، انطباق تحریم های شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه، مجله ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۱۸- نوازی، بهرام (۱۳۸۴)، کاربرد ابزار تحریم اقتصادی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، مجله ی سیاست خارجی
- ۱۹- یآوری، کاظم، محسنی، رضا (۱۳۸۹)، آثار تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجله ی مجلس و پژوهش



## قوانین و عهدنامه ها:

۱- منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)

۱- اعلامیه ی حقوق بشر (۱۹۴۸)

۲- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)

۳- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)